

خیلواکی



استقلال

www.esteqlaal.net

یکشنبه ۱۶ جون ۲۰۲۴

فریده نوری

عید قربان آمد و باز آگه قربانت شو



یک شاخه گل سفید تقدیم تو باد
رقصیدن برگ بید تقدیم تو باد
تنها دل تنگ است سرمایه من
آنهم شب پاک عید تقدیم تو باد

دخترم، مرجان من! آیا به یاد داری که وقتی در وطن بودیم در روز عید قربان می گفتی: "مادر تمام گوشت های قربانی را برای مردمی که هیچ گوشت نمی خورند و مزه گوشت را نچشیده اند، روان کن". عزیز مادر، همه را رها کردی و راهی دیار ابدیت شدی. یادت همیشه بخیر و روح و روانت شاد باد.

میزبان من بیا تا من مهمانیت شوم	عید قربان آمد و باز آ که قربانت شوم
آرزو دارم که قربانی قربانت شوم	عید قربان است و هر کی میدهد قربانی اش
روز نوروز می رسی؟ تا سبزیی خوانت شوم	عید روزه رفت، عید قربان می رسد نوروز هم
گلشن باغدم بیا تا مست مستانت شوم	باغبان از شوق گل می رود در خواب مست
تا به کی خواهی که مجنون بیابانت شوم	دشت ها پر لاله و باغها پر سنبل شده



عید قربان آمد و عیدم شده چشمان تو
ای به قربان نگاهت، جان من قربان تو

[مرجانم] عید قربان است، قربانت شوم یا نه؟
نگفتی یک دمی آیا که مهمانیت شوم یا نه؟
برای طوف کویت جامه احرام بر بستم
گدای دوره گرد گوشه خوانت شوم یا نه؟